

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۲۴ مارچ ۲۰۱۱

پیامبران

بخش ششم

توسط این چند سطر میخواهم خدمت خوانندگان ارجمند این نوشته‌ها عرض بدارم که در ارتباط این نوع ابراز تفکر خواهان نظریات و گفتارهای از هموطنانم میباشم تا در روشنگری ایشان از هر دیدگاهی که باشد مستفید گردیده و نوشته‌های شان ولو در خلاف این ایده‌ها باشد بتواند روشنگر عقیده هموطنان گردیده و بتواند راه‌های مردم ما از ورطه‌های خرافه پرستی و یا عکس آن گردیده و قضاوت به ارتباط موضوعات به اصطلاح دینی مربوط می‌شود به دید و برداشت هموطنان ما ازین بحث‌ها. فلذا با کمال ادب از همه کسانی که (عالم اسلامی) هستند و از مجرای مختلف تا امروز مستقیم و غیر مستقیم در اغفال روانی مردم ما به نفع اجنبی‌های استعماری سعی داشته‌اند، همچنان از مؤسسات اسلام شناسی و مراکز تحقیقاتی اسلامی و دینی تقاضا میدارم تا هر چه آموخته به اصطلاح اسلامی دارند پیرامون محمد و تحلیلی از قرآن که به زودی خدمت شما نشر خواهد شد بنویسند تا در تصادم این مفکوره‌ها حق و باطل تشخیص شود. در صورت خاموشی آن عالمان دینی و استادان پژوهشی اسلامی مهر صحت بر این نوشته‌ها میگذارند و امیدارم در آینده از صحبت‌های تلویزیونی یکطرفه و موعظه در مساجد و محافل که اغلباً بدون مخالفت مفکوره‌ئی صورت می‌گیرد اجتناب ورزند تا اضافه‌تر در مسموم ساختن ذهنیت جوانان ما به نفع اربابان استعمار مخصوصاً عربها گام بر ندارند و عقیده خود را به ارتباط اسلام فقط منحیث عقیده شخصی حفظ و بگذارند جوانان ما به استناد به علم و ساینس و رهنمودهای استادان محترم مخصوصاً استادان فزیک خود بر ای خود معیارهای شناخت در امور زندگی تعیین دارند

محمد و قرآن

آنانیکه اسلام را دین برابری و برادری تبلیغ مینمایند باید عمیقاً بدانند که هیچ دینی به شمول دین اسلام دین برابری

نبوده و نیست، دینی که در آن بر دگی، کنیزی و غلامی رسمیت داشته باشد و زن ستیزی و ضد زن بودن اساسات و پایه‌های آن دین را ساخته باشد چطور میتواند عدالت و برابری را در جامعه بیاورد؟؟؟؟

محمد بن عبدالله خود را آخرین پیامبر آسمانی اعلام نمود. او خود را بی‌سواد گفته و در زمانه‌های جداگانه نظر به شرایط مسلطه همان وقت چهره‌های چند جهتی به خود گرفته و عمل کرد او هم مطابق به تنظیم قدرت و نفوذش بر مردم فرق داشته است. برای فهمیدن زندگی نامه و عمل کرد های این پیامبر باید قبل از همه افکار خود را به ۴۰۰ سال قبل تمرکز داده و شرایط آن روزه شبیه جزیره عربستان را مجسم نمود و شرح زندگی و حالت حیات مردم آن دوره را مطالعه کرد تا در مورد قضاوت کرده بتوانیم. شرح حال این پیامبر در بخش‌های مختلف زیر عنوانی هر عمل کرد شان با ایت های قرآنی و احادیث موجوده به بررسی گرفته خواهد شد

شبه جزیره عربستان سر زمین خشک و بد آب و هوا بود و قبایل مختلفی به شکل پراکنده در آن زندگی بدوی سختی را میگذشتاند. دامداری و هم کمی زراعت شغل شان بود وسایل نقلیه از یک جای به جای دیگر همانا شتر، اسب و قاطر بود که تا جبران غرض انتقال اموال شان از شهری به شهری (شهر نه به مفهوم امروزی آن) از آن وسایل استفاده مینمودند. و در فاصله های معین بین شهر ها کاروانسرا هائی وجود داشت که تاجران و یا سیاحان شب‌های خود را در آن پناهگاه ها به صبح میرسانیدند تا از گزند طوفانهای ریگی و دستبرد دزدها جان و اموال شان در امان باشد. طبق رسم حقوقی باستانی عربی هر عضو خاندان عربی موظف بود تا از خاندان و عشیره خود دفاع نماید و هر خانواده باید از اعضای خانواده خود دفاع نماید به همین ملحوظ ابوطالب کاکای محمد که تا آخر عمر مسلمان نشد اما مجبور بود بنا بر رسم و رواج قبیله ئی از محمد در مقابل دشمنان او از وی دفاع نماید. تنها "ابی لهب" که او هم کاکای پیامبر و شخص شاعر و روشن فکر بود مخالف افکار محمد بوده و همیشه او را هجو مینمود تا اینکه محمد سوره المسد را که دارای ۵ آیت است در دعای بد کردن از زبان خدا نسبت به ابی لهب و خانمش تدوین نمود. چون این سوره از جمله سوره های مکی است فقط به همان دعای بد اکتفا شده است. (در بخش قرآن

ازین مسأله صحبت خواهیم داشت) مکه خود یک شهر تاجر نشین و غنی بود و کعبه درین شهر قرار داشت. کعبه مرکز عبادت قریه های مختلف عرب بوده که هر یک از قبایل بت مخصوص خود در آن داشتند که هر چند بار و سال یک بار به منظور عبادت و پرستش بت های خود، از سراسر عربستان به مکه می آمدند. شغل کلید داری دروازه کعبه یک وظیفه مهم و آبرو مندانه بود. کلید دار کعبه یک مرد عرب بنام ابو غیثان بود. او دختری به نام حبی داشت که زن قصی از قوم بنی کلاب بود (بنی کلاب = چوچه سگ ها) چون در فرهنگ عرب نام خانوادگی وجود نداشته و ندارد افراد و قبیله ها هم به ارتباط شغل شان لقب هائی را حاصل میداشتند.

قصی (پنجمین جد محمد) در یک مهمانی شبانه ابو غیثان را مست میکند و کلید کعبه را در مقابل یک خم شراب با او معامله مینماید و بعد از آن قوم بنی کلاب کلید دار کعبه میشوند. از حبی و قصی پسرانی باقی می ماند که معروف ترین آنها عبارت اند از: عبدالدار که بعد از قصی کلیدار کعبه می شود و عبد المناف که پسرانی به نام های هاشم، نوفل و المطلب داشت. بعد از عبدالدار کلید کعبه به هاشم سپرده می شود که مؤسس قوم بنی هاشم است. بعد از او کلید به المطلب برادر هاشم واگذار می شود که او هم آنرا به یکی از پسران هاشم به نام شیبه میدهد.

هاشم دو پسر داشت بنام های شیبیه و اسد. شیبیه در مدینه نزد مادرش زندگی میکرد که المطلب عموی او به آنجا رفته و شیبیه را با خود می آورد. خانواده المطلب اسم شیبیه را عبد المطلب (بنده المطلب) میگذارند. عبدالمطلب پدر کلان محمد بناء به خواست عمویش المطلب کلید دار کعبه می شود. از آن تاریخ به بعد کلابیها کلید دار کعبه بوده اند و محمد در زمان قدرت پس از جنگ های بسیار بالاخره کلید کعبه را از پسر عمویش عبدالله (فرزند عباس) پس می گیرد و آنرا به عثمان پسر طلحه میدهد. اسم پدرش عبدالله و مادرش آمنه بوده است او در دو شنبه ربیع الاول سال ۵۷۰ میلادی که آن سال را نسبت لشکر کشی (ابرهه) سردار قشون حبشه سال (عام الفیل) می نامند در مکه متولد شد. او متعلق به قبیله قریش که از اصیل ترین قبایل مکه بود می باشد و کعبه مرکز عبادت و بت خانه اعراب بود و کلید داری کعبه هم به طایفه قریش تعلق داشت. پدرش عبدالله قبل از تولد او در گذشت. آمنه مادر محمد بعد از تولدی او - او را به دست (حلیمه) دایه سپرد. که حلیمه او را به قبیله بنی سعد برد. و در زمانی که قبیله بنی سعد مورد خشم محمد قرار گرفت اهالی به او گفتند که پرورده همین قبیله است و محمد بسیاری از آن ها را بخشید. او شش ساله بود که مادرش را از دست داد و سر پرستی او را عبدالمطلب پدر کلانش به عهده گرفت که بعد از دو سال او هم فوت شد و سر پرستی محمد را به پسر خود ابوطالب وا گذاشت. محمد در طفولیت چوپانی مینمود ابو طالب گر چه از طایفه قریش بود اما از مال دنیا آنقدر بهره نداشت و گاه گاهی به سوریه غرض بهبود وضع مالیش مسافرت میکرد که بعد از ۱۲ سالگی محمد نظر به اصرار خودش او را هم با خود میبرد که معمولاً این مسافرت ها اضافه تر از سه ماه طول میکشید و زمینه خوبی را برای محمد مساعد ساخته بود تا مراسم کلیسایی و عبادات عیسویان را دیده و توجه نماید. محمد در جوانی اغلباً در بازار مکاره (عکاظ) که سه روزه راه از مکه بود شرکت می جست و در داد و ستد های تجاری سهم میگرفته و همچنان با یهودی ها و عیسوی ها صحبت های فراوان داشته و اصول دینی آن ها را فرا میگرفته است عبدالله بعد از مرگ خود یک همسر بیوه، یک خانه مسکونی، پنج رأس شتر و یک دختر برده به نام (ام ایمن) که خدمت کار آن ها بود از خود به جای گذاشت که بنا بر روایاتی او اولین خانمی بوده که تمایلات جنسی محمد را جوابگو بوده است نظر به گفتار حلیمه دایه محمد و جریانات بعدی زندگی او محمد مبتلا به هیستری (بیماری غش و ضعف) بوده است و تعدادی زیادی فکر میکردند که حلول ارواح خبیثه باعث آن تبارزات می شود.

روزی ابو طالب به محمد پیشنهاد کار پیدا نمودن را می نماید و می گوید که کاروان عمو زادمآ خدیجه قرار است به طرف سوریه حرکت کند و او در جستجوی شخصی است که کاروان را رهبری نماید او میتواند به خدیجه مراجعه و اظهار آمادگی نماید. محمد هم چنان کرد و مورد قبول خدیجه واقع شد و محمد همراه کاروان تجاری خدیجه عازم بصره گردید و این سفر و اقامت در بصره زمینه صحبت های زیادی را با روحانیون عیسوی مساعد ساخت و محمد با زیرکی خاصی در تجارت فایده گرفت و به سفارش (میسره) غلام خدیجه که در تمام سفر او را همراهی مینمود بعد از باز گشت نزد خدیجه رفته و جریان نفع بردن زیاد تر را به اطلاع او رسانید که باعث خوشنودی بی حد خدیجه گردید. خدیجه درین زمان ۴۰ سال داشت دو مرتبه ازدواج کرده بود و از شوهران قبلی

خود یک دختر و دو پسر داشت. عشق محمد در دل خدیجه پیدا شد و توسط یکی از برده هایش در زمینه اقدام و محمد هم موافقه نشان داد. ازدواج صورت گرفت و خدیجه برای محمد ۲ پسر و ۴ دختر آورد. دختران محمد زنده ماندند اما پسران او در طفولیت در گذشتند. خدیجه مصروف تجارت خود بود و محمد به کوه حرا میرفت. و در یکی از شبهای رمضان که در کوه عزلت گزیده بود به نظرش آمد که فرشته‌ای بر او نازل شد و گفت: (بخوان) به اسم خالقت او گفت: نمیتوانم بخوانم. و این سؤال دو باره تکرار شد (بخوان) و او گفت من خواننده نیستم.

چیزی که من نتوانستم درک نمایم این بود که جبرئیل به او گفت بخوان یعنی آنچه را که او میگوید بخواند و به او کدام ورق کاغذی نداد تا او از روی آن بخواند که محمد می‌گفت من نمیتوانم بخوانم. تکرار آن کلمات به نظر من اشکالی نداشت. محمد به خانه آمد و جریان را با خدیجه در میان گذاشت و این شروع بعثت او بود. خدیجه اولین زن، علی اولین کودک و ابوبکر از بزرگان و از غلامان زید بن حارثه و بلال حبشی اولین کسانی بودند که مسلمان شدند و از همان آغاز بعثت جعفر بن ابیطالب برادر علی مسلمان شد. محمد تا ۳ سال مردم را پنهانی به اسلام دعوت مینمود و بعد از نازل شدن آیه ۹۴ سوره حجر دعوت به اسلام علنی شد محمد بعد از اینکه به سن بلوغ رسید دایما در محله یهودی نشین مکه رفت و آمد میکرد و چگونگی معتقدات و انجام فرایض مذهبی آداب و رسوم و مقررات زندگی خصوصی و اجتماعی اسرائیلی ها را مورد بررسی قرار میداد و می‌آموخت

همچنان مسلمانها ادعا دارند که پیش گویی تورات و انجیل در پیامبری محمد گواه است. در هیچ کدام کتابی که میگویند آسمانی است راجع به محمد ذکری به عمل نیامده است. اگر چنین هم می‌بود موجودیت چنین حکمی در تورات و انجیل برای مردمی که آن زمان می‌زیستند مفهومی نداشته است و طرح پوچی بیش نمی‌توانسته باشد. صاحب معجزه نبوده و هر باری هم که مردم غرض اثبات پیامبری اش خواستار معجزه میشدند او شانه خالی میکرد. در سوره بقره (گاو) آیت ۱۴۵ می‌گوید:

و اگر هر گونه معجزه ای برای اهل کتاب بیآوری (باز) قبله ترا پیروی نمیکنند. سوره انعام آیت ۳۷: و گفتند چرا معجزه ای از جانب پروردگارش بر او نازل نشده است؟ بگو بی تردید خدا قادر است معجزه ای فرو فرستد لیکن بیشتر آن‌ها نمیدانند.

سوره رعد آیت ۲۷: و کسانی که کافر شده اند می‌گویند: چرا از جانب پروردگارش معجزه ای بر او نازل نشده است؟ بگو: در حقیقت خدا است که هر کسی را که بخواهد گمراه می‌کند و هر کسی را که (به سوی او) باز گردد به سوی خود راه می‌نماید. پاسخ بیربط در این آیات هویدا است. مطابق به نوشته‌های قرآنی محمد هیچ معجزه ای نداشته است اما سخنگویان اسلام سعی نموده اند تا بعضی چیزها مثل شق القمر، معراج، مباحله، تعیین قبله مسجد النبوی و غیره را در قالب معجزات به محمد نسبت دهند.

محمد در بسیاری از آیات قرآن از خود صفت نموده و بعضی وقتها مقام بالاتر از خدا به خود میدهد. آیت ۵۶ سوره الحزالی: خدا و فرشتگانش بر روان پاک این پیغمبر صلوات و درود میفرستند شما هم ای اهل ایمان بر او سلام

و درود بفرستید و با تعظیم و اجلال بر او سلام گوئید.

محمد دین خود را دین ابراهیمی نامید چون نه یهودیان و نه مسیحی‌ها با ابراهیم مخالفت نداشته‌اند و هر دو طایفه او را پیامبر می‌دانند و این کار مشخصاً به خاطر جلب رضایت و همکاری آن‌ها از طرف محمد مطرح شده بود و ادامه دهنده دین ابراهیمی خود را معرفی مینمود. محمد سران عرب را دعوت و به آن‌ها دین خود را مطرح ساخت که باعث تمسخر آن‌ها گردید. بالاخره زیر فشار مردم مکه محمد با یارانش که هر چهار آن‌ها خسر و یا داماد محمد بودند از مکه به مدینه رفتند که هجرت نامیده می‌شود.

قرآن مشتمل بر ۱۱۴ سوره و ۶۲۳۶ آیت بوده که ۸۸ سوره، آن در مدت ده سال در مکه تدوین شده و به نام سوره‌های مکی یاد می‌گردد و ۲۶ سوره دیگر در مدینه در ظرف ۱۳ سال وضع شده که به نام سوره‌های مدنی یاد می‌گردد. (از قرآن و آیات آن در بخش جدا صحبت خواهیم نمود.)

عبدالله بن سعد بن ابی سرح برادر رضاعی (شیری) عثمان یکی از کاتبان وحی بود او به هنگام نوشتن آیه‌های قرآن گاه به محمد پیشنهاد میکرد تا بعضی کلمات را تغییر دهد و محمد در چند مورد پیشنهاد او را پذیرفت. به همین دلیل عبدالله در وحی بودن قرآن دچار تردید شد و راه ارتداد پیش گرفت. محمد بعد از ارتداد او فتوای قتلش را صادر کرد اما او به عثمان پناهنده شد. عثمان او را در پناه خود گرفت و از محمد خواست که او را عفو کند محمد بعد از مدتی تردید با نا راحتی فراوان از کشتن او در گذشت (صفحات ۲۷۱ و ۲۷۲ سیره ابن هشام و

صفحه ۱۱۸۷ تاریخ طبری) که در نوشته‌های جداگانه روی قرآن و آیات که به منظور خاص حمایت از کارهای محمد وضع شده، صحبت خواهیم نمود. با در نظر داشت محتویات قرآن و عمل‌کرد های محمد در جریان زندگی‌اش من زندگی شخصی و سیاسی او را با فتوحات، کشتار بیرحمانه و غنیمت‌های جنگی و اسیران بر روایت تشریح هدایات قرآنی به استناد خود آیات قرآن و احادیث معتبر اسلامی در چند بخش مورد بررسی قرار داده تا روشنگر ادعا و واضح ساختن عمل‌کرد های پیامبر و اصحاب او باشد چون در روشنی مفاهیم قرآن به زبان فارسی بهتر میتوان به ماهیت دین اسلام پی برد و باز هم قابل تذکر میدانم که هدف و منظور از این نوشته‌ها تحقیر و توهین به هیچ‌کس نبوده فقط منظور روشن شدن حقایق است تا بتوان با قبول و یا رد اندیشه اسلامی در زندگی خود بنا بر باور های خود تصمیم گرفته و عمل نمائیم. در بخش مورد نظر ما به وضع خانوادگی محمد و زندگی‌شان با زنان، جنگ‌ها و فتوحات‌شان، معراج محمد، بررسی های ریشه‌ای قرآن، روح در اسلام، جنت و دوزخ، عرش خدا، ملائک و اجنه، شیطان، قلب جایگاه تفکر و تصمیم‌گیری، مشروعیت بندگی و غلامی در ادیان ابراهیمی، حقوق زن در اسلام و بعضی دیگر چیزها که خلقت از دیدگاه ادیان ابراهیمی مربوط اسلام و طرح شده اسلامیت است تماس خواهیم گرفت. محمد بعد از ماجرا های پر پیچ و خم زندگی و کشتار بی حد بالاخره در سن ۶۳ سالگی در حالیکه عایشه خانمش ۱۸ساله بود، وفات نمود.